

Optional Fire Defense Strategies in Political Management to Counter Soft Warfare from the Supreme Leader's perspective¹

Ali Baghi Nasrabadi¹

1. Assistant Professor, Imam Sadegh (AS) Research Institute, Qom, Iran. Baqi1341@gmail.com,

Abstract

This study aims to examine the fire defense strategies in political management to combat soft war from the perspective of the Supreme Leader. In this regard, using thematic analysis tools, arbitrary fire defense strategies in political management to combat soft war in the intellectual-political system of the Supreme Leader based on three ontological, epistemological and methodological approaches were studied. The process of the Supreme Leader's optional method of firing on the subject of political management to counter the soft war in the first place is the correct knowledge of the enemy and his plans; If the enemy is not accurately identified in this area, then the necessary and appropriate defensive and offensive measures will not be taken. The next step in the fight against arrogance of power is readiness because victory in combat will be achieved when the forces are sufficiently prepared to confront the enemy and its plans. Ultimately, the requirement of faith is the presence of the believer in the combat, a necessity that, if fulfilled, according to the Supreme Leader of the Revolution, the arrogant will not be able to defeat this nation and the revolution.

Keywords: Soft War, Free Fire, Political Management, Defense, Ayatollah Khamenei.

1. **Received:** 2021-06-02 ; **Revision:** 2022-01-05 ; **Accepted:** 2022-03-07

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



راهبردهای پدافندی آتش به اختیار در مدیریت سیاسی جهت مقابله با جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری^۱

علی باقی نصرآبادی^۱

۱. استادیار، پژوهشگاه امام صادق(ع)، قم، ایران. baqi1341@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی راهبردهای پدافندی آتش به اختیار در مدیریت سیاسی، جهت مقابله با جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری است. در این راستا، با کاربست ابزار تحلیل مضمون، راهبردهای پدافندی آتش به اختیار در مدیریت سیاسی، جهت مقابله با جنگ نرم، در نظام فکری- سیاسی مقام معظم رهبری مبتنی بر سه رویکرد هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه بررسی شد. راهبرد روشی آتش به اختیاری مقام معظم رهبری، به موضوع مدیریت سیاسی جهت مقابله با جنگ نرم در مرحله نخست، شناخت درست دشمن و برنامه‌های اوست؛ چنانچه در این عرصه، شناخت دقیقی از دشمن صورت نگیرد، به تبع اقدامات لازم و متناسب تدافعی و تهاجمی نیز صورت نخواهد گرفت. گام بعدی در مسیر مبارزه با استکبار، آمادگی است، زیرا در میدان مبارزه زمانی پیروزی حاصل خواهد شد که نیروها، آمادگی کافی برای مقابله با دشمن و برنامه‌های آن را داشته باشند. در نهایت لازمه ایمان، حضور انسان مؤمن در صحنه مبارزه است، ضرورتی که چنانچه محقق شود، به تعبیر رهبر انقلاب، مستکبران قادر به شکست این ملت و انقلاب نخواهند بود.

واژه‌های کلیدی: جنگ نرم، آتش به اختیار، مدیریت سیاسی، پدافند، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. باقی نصرآبادی، علی (۱۴۰۰). راهبردهای پدافندی آتش به اختیار در مدیریت سیاسی جهت مقابله با جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری.

سیاست متعالیه، ۹(۳۵): ۲۴۷-۲۷۰. DOI: 10.22034/sm.2022.531476.1711

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

۱. مقدمه

با بررسی تحولات دهه اخیر و خصوصاً با عنایت به وقایع درس آموز جنگ‌های اخیر در منطقه، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ‌های نوین، حجم زیاد و تأثیرگذاری گسترده جنگ نرم در زمان‌های پیش از جنگ، حین جنگ و پس از آن می‌باشد. در واقع طیف وسیعی از اقدامات، از جنگ رایانه‌ای و فعالیت‌های اینترنتی تا راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی در فضای مجازی، نفوذ در ارکان فکری و فرهنگی و...، ذیل عنوان جنگ نرم می‌گنجد. دشمنان انقلاب اسلامی بعد از دوران دفاع مقدس و جنگ سخت با تغییر تاکتیک به جنگ نرم روی آوردند و در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از راه‌های مختلف مثل تحریم‌ها، جاسوسی‌ها، ترورها، نفوذا و... با ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی خود درصدد نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی بودند. در همین راستا مقام معظم رهبری معتقدند که جنگ نرم دشمن در حقیقت یک اقدام پدافندی در مقابل آفند نرم انقلاب اسلامی است.

از این‌رو یکی از مهم‌ترین تحولات نظام جهانی، ایجاد تغییر در ماهیت و اشکال قدرت و ارتقاء تأثیرگذاری قدرت نرم بر قدرت سخت بوده است. کشورهایی که به شکلی ماهرانه از ابزارهای فرهنگ، تمدن، تاریخ و جغرافیای خویش برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران استفاده کرده‌اند، در صحنه سیاست ملی و جهانی اقتداری به مراتب ماندگارتر و موثرتر یافته‌اند. کشور ایران، از هزاران سال پیش تاکنون، چه به عنوان کشور و تمدنی بسیار پیچیده و شگفت‌انگیز در چهارراه تمدن‌های بزرگ بشری، و چه در عصر کنونی به مثابه کشوری با کوله‌باری از تاریخ، فرهنگ و تمدن در قلب بحران‌های منطقه‌ای، و از سوی دیگر موقعیت ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه و وارث نخستین انقلاب مذهبی در دنیای جدید، به عنوان کانون تولیدکننده قدرت نرم مطرح بوده است. در حقیقت «قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت و کسب اعتبار نزد افکار عمومی جهان است که با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، پیشینه درخشان، آرمان یا ارزش‌های انسانی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین، قدرت نرم پدیده‌ای اجتماعی و مرتبط با مؤلفه‌های محیطی است که به نسبت سایر ابزارهای سیاست خارجی، بیشترین تأثیرپذیری را از مؤلفه‌های هویت ملی دارد» (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ص ۱۵). عوامل متعددی در ایجاد قدرت نرم کشور موثر است که هر کدام در صورت مدیریت صحیح می‌توانند ضمن ایجاد انسجام داخلی، موجبات ارتقای حیثیت و جایگاه کشور در عرصه سیاست بین‌المللی و نظام جهانی را فراهم کنند. فرهنگ با ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به فرد از یک‌سو به عنوان

منبع تهدیدکننده و از دیگر سو تقویت‌کننده نظام اجتماعی در کنار اقتصاد و سیاست به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم منابع قدرت نرم معرفی می‌شود. در جنگ نرم نیز توجه عمده دشمن به بخش‌های بنیادی و هویت‌ساز فرهنگی است و تلاش کارگزاران تهدید نرم بر آن است که عصاره فرهنگی (باورها، ارزش‌ها) ملت را هدف‌گیری و آن را از بین ببرند، تا جامعه دچار بی‌هویتی فرهنگی شده و بنیان‌های اصیل معنوی و فرهنگی در معرض فروپاشی و استحاله قرار گیرد.

از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به‌شمار آورد. نظام جمهوری اسلامی به عنوان مهم‌ترین محصول آن، از یک منظر سرچشمه عمده قدرت نرم بوده و از دیگر سو منبع عمده قدرت نرم در آن بیشتر ناظر بر ابعاد فرهنگی و روانی است که امروزه کارآمدترین و کم هزینه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه آن از سوی قدرت‌های غربی در بُعد تهدید نرم جاری است. طبیعی است که برای موفقیت و پیروزی در این جنگ به مانند جنگ سخت، افسران جنگ نرم باید نقشه راه و چشم‌انداز مشخصی داشته باشند. از لوازم این نقشه راه، داشتن راهبردها و ملاک‌هایی از جنس جنگ نرم است. بدون وجود راهبرد، موفقیت قابل اندازه‌گیری نیست. اگر فرماندهان این جنگ، راهبرد تقابلی نداشته باشند، دچار نوعی سردرگمی و تحیر می‌شوند. راهبرد، به فرماندهان و مدیران این عرصه معیارهایی برای حرکت می‌دهد. پُر واضح است که اگر منابع، امکانات و انرژی جوانان و فرماندهان به سمت راهبردها برود، کار از نتیجه‌ای مؤثر و بهتر برخوردار خواهد بود.

در واقع در این پژوهش، استخراج راهبرد نه تنها یک بحث صرفاً تئوریک نیست، بلکه کاملاً جنبه عملیاتی داشته و راهگشا خواهد بود، و یکی از بهترین منابعی که می‌تواند به استخراج راهبرد کمک کند، استفاده از اندیشه‌های فرمانده این جنگ، یعنی مقام معظم رهبری است. البته در رابطه با آتش به اختیاری، تحقیقات متعددی انجام شده، اما تاکنون تحقیقی که به طور خاص شاخص‌های پدافندی آتش به اختیار را در مدیریت سیاسی جهت مقابله با جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری بررسی کرده باشد، صورت نگرفته است. بر همین اساس سوال اصلی پژوهش حاضر این است که راهبردهای پدافندی آتش به اختیار در مدیریت سیاسی جهت مقابله با جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟ در این تحقیق تلاش می‌شود با کاربست ابزار تحلیل مضمونی به این مسئله پاسخ داده شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. جنگ نرم^۱

جنگ به عنوان بخشی از طبیعت بشر شناخته می‌شود که در تاریخی به قدمت تاریخ خود بشر، فراز و نشیب‌های فراوانی داشته و به رویکردهای مختلفی تقسیم شده است. شناخته‌ترین نوع این تقسیم‌بندی، بر مبنای شدت جنگ است که جنگ را به منازعات کم‌شدت، شدید و تمام‌عیار، تقسیم‌بندی کرده‌اند. در نوع دوم دسته‌بندی جنگ، آن را از نظر به‌کارگیری سلاح به طیف‌های جنگ گرم و جنگ سرد تفکیک می‌کنند. همچنین جنگ از حیث آشکار یا مخفی بودن، به جنگ آشکار، جنگ نیمه پنهان و جنگ پنهان تقسیم می‌گردد. دسته‌بندی بعدی، طیف‌شناسی جنگ از حیث موضوع آن است که به جنگ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دسته‌بندی شده است. نوع دیگر، طیف‌شناسی جنگ، بر مبنای «ابزار و روش تحمیل اراده» است. بر مبنای این شاخص جنگ، شامل جنگ نرم و جنگ سخت است. این نوع تفکیک ابتدا در مورد تفکیک قدرت، به قدرت نرم و سخت، از سوی جوزف نای انجام شد، و سپس در دهه اخیر از سوی سایر اندیشمندان تکامل یافته است. در خصوص چیستی جنگ نرم صاحب‌نظران و محققان پاسخ‌های متفاوتی داده‌اند. مفهوم جنگ نرم که در برابر جنگ سخت به کار می‌رود، دارای تعریف واحدی نیست که مورد پذیرش همگان باشد، و تلقی و برداشت افراد، جریان‌ها و دولت‌های گوناگون از جنگ نرم تا حدی متفاوت است. همچنین در برخی از تعاریف مرز بین جنگ نرم، عملیات روانی، قدرت نرم و تهدید نرم مشخص نیست. اصطلاح جنگ نرم برای اولین بار توسط استادان برجسته علوم سیاسی و مدیران سابقه‌دار سازمان سیا و پنتاگون به وجود آمد. نخستین بار جوزف نای،^۲ در مقاله‌ای در «نشریه آتلانتیک» مفهوم قدرت نرم را به شکل نظریه مطرح کرد (نای، ۱۳۹۷: ص ۵۳) و در آثار متعددی به تفصیل، آن را مورد بررسی و پردازش قرار داد. از نظر نای، قدرت نرم توانایی جذب کردن است که اغلب به رضایت منجر می‌شود. در حالی که قدرت سخت، توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران از راه اثرگذاری بر اولویت‌های آنهاست.

جنگ نرم، جنگ ایده‌هاست. به باور برخی صاحب‌نظران مانند گولدستین و کوهن،^۳ ایده‌ها یکی از

-
1. Soft War
 2. Joseph Nye
 3. Goldstein & Cohen

هدایت‌گران رفتار راهبردی بازیگران می‌باشند. به اعتقاد آنها ایده‌ها در شرایط عدم قطعیت به‌مثابه یکی از ویژگی‌های محیط راهبردی کنونی، بازیگران را به سوی راهبردهایی برای نیل به هدف‌ها و کسب منافعشان هدایت می‌کنند. در واقع ایده‌ها دارای چنان ظرفیتی هستند که می‌توانند «نقشه‌های راه» دستیابی به مطلوبیت‌ها را برای بازیگران ترسیم کنند (Goldstein & Keohane, 1993: p.41).

جان کالینز^۱، تئوریسین دانشگاه ملی آمریکا، معتقد است: «جنگ نرم استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی است که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود» (کالینز، ۱۳۸۳: ص ۴۸۷). جنگ نرم در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی - اجتماعی حاکم، تزلزل و بی‌ثباتی را تزریق کند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۹: ص ۵).

همچنین افتخاری معتقد است که جنگ نرم، کاربرد ابزارهای نرم علیه جامعه خاص با هدف تأثیر بر فرهنگ، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات به منظور استحاله آن و جایگزینی نظام فرهنگی موردنظر مهاجم با مدافع است (افتخاری، ۱۳۸۷: ص ۲۵۷-۳۳۳) جنگ نرم عبارت است از هرگونه اقدام غیرخسونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی می‌شود که با الگوهای رفتاری مورد نظر نظام حاکم تعارض دارد (همان). جنگ نرم مجموعه تدابیر و اقدامات از پیش اندیشیده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورهاست که بر نظرات، نگرش‌ها، انگیزش و ارزش‌های مخاطبان آماج (اعم از حکومت‌ها، دولت‌ها، گروه‌ها و مردم کشورهای خارجی) تأثیر می‌گذارد و در بلندمدت موجب تغییر منش، رفتار و کنش‌های فردی و اجتماعی آنان می‌گردد (الیاسی، ۱۳۸۷: ص ۱۲).

در دو دهه اخیر، مقام معظم رهبری، تبیین‌هایی را از جنگ نرم به معنی عام، و از تهاجم فرهنگی به معنی خاص داشته‌اند. در جنگ‌های عمقی که امروز به آن جنگ نرم گفته می‌شود، جنگ‌های عمیق - از جمله، جنگ‌های فرهنگی که جزو جنگ‌های عمقی است - برخلاف جنگ‌های نظامی، نتایج کوتاه‌مدت، تعیین‌کننده نیست، بلکه جنگ طول می‌کشد. در جنگ نظامی، یک طرف بالاخره بر دیگری فائق می‌آید، او را سرکوب می‌کند و مسئله تمام می‌شود. ما توانستیم در طول هشت سال مقاومت، نیروی متجاوز صدامی را از

کشور بیرون کنیم و قضایا تمام شد. در جنگ نرم، در جنگ عمیق، در جنگ فرهنگی، قضیه این نیست. شما در یک مرحله پیروز می‌شوید، اما این به معنای پیروزی دائمی نیست، باید انتظار داشته باشید که طرف مقابل مجدداً خود را آماده کند، جمع‌وجور کند و حمله بکند؛ و این اتفاق افتاد؛ همان آفت وابستگی، بعد به شکل‌های دیگری در کشور بازتولید شد؛ چون بالاخره دشمنان عامل دارند؛ خب اینکه قابل انکار نیست. ملت، ملت بزرگی است، ملت خوبی است، اما در درون ملت- مثل همه‌ی ملت‌های دیگر- آدم‌های غریب‌پرست، آدم‌های سست‌عنصر، آدم‌های مادّی، آدم‌های فریب‌بخور هستند؛ اینها شروع به بازتولید همان فرهنگ وابستگی کردند، منتها با یک ادبیات شیک و رنگ‌آمیزی شده و قالب‌بندی شده و بسته‌بندی شده به اسم‌های دیگر: جهانی شدن، وارد شدن در خانواده جهانی. امروز هم این توصیه‌هایی که غربی‌ها و آمریکایی‌ها در جلسات به ما می‌کنند، این است که ایران خودش را با خانواده جهانی همراه کند، یکسان کند، جهانی بشود. مرادشان همان وابستگی است، این همان است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۷/۲۸). مقام معظم رهبری جنگ نرم را تهاجم فرهنگی، بلکه یک شبیخون، غارت و قتل عام فرهنگی، جنگ اراده‌ها و عزم‌ها، جنگ و تهاجم به مرزهای ایمانی، عقیدتی و فرهنگی، جنگ برای عوض کردن ذهن مردم و ناامید ساختن از مبارزه، و در نهایت در آذر ماه سال ۱۳۸۸، جنگ نرم را به معنی «ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۴) تعریف کردند.

با توجه به این تعاریف، می‌توان جنگ نرم را مانند هر پدیده دیگری در سه بُعد شناخت: اول، ماهیت و منطق درونی قدرت نرم که عبارت از تلاش برای تأثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های بنیادین مورد قبول کشور هدف است. دوم، منظور و کاربرد این تأثیرگذاری، دگرگونی هویت فرهنگی و تخریب الگوی سیاسی است. سوم، ابزار اعمال اراده و پیشبرد هدف در این جنگ، قدرت نرم کشور حریف و متخاصم است.

۲-۲. پدافند

برای پدافند تعاریف مختلفی مطرح شده است که عبارتند از:
یکی از فعالیت‌های اصلی نظامی که توسط نیروهای مسلح برای مقابله با اهداف و اجرای مأموریت‌های دشمن بوده که در جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد (محمدنژاد و نوروزی، ۱۳۷۸: ص ۱۳۲).
تدابیر مثبتی که توسط یک کشور یا چند کشور مؤتلفه برای مقابله با حمله سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا تکنولوژیکی دشمن، اتخاذ می‌شود (کالینز، ۱۳۸۳: ص ۴۸۳).

به طور کلی پدافند واژه‌ای است که حرکت و دفاع در مقابل دشمن را توجیه می‌کند، تمایل به مقابله، اساس روح پدافند را تشکیل می‌دهد. منظور اساسی از پدافند، انهدام حملات نیروهای دشمن بوده و منظورهای دیگر عبارتند از مقابله با تصرف زمین، جلوگیری از تصرف منابع حیاتی توسط دشمن (رستمی، ۱۳۸۶: ص ۲۷).

پدافند به مفهوم کلان آن عبارت است از تدابیر و اقداماتی که طی آن یک یا چند کشور مؤتلف با استفاده از ابزار و توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و تکنولوژیک به منظور مقابله با تحرکات دشمن انجام می‌دهند (همان).

در جمع‌بندی مفهوم پدافند باید گفت، اقداماتی که با استفاده از کلیه وسایل و امکانات موجود به منظور مقابله با حملات دشمن و انهدام فعالیت‌های خرابکارانه وی انجام می‌شود، پدافند نام دارد.

۲-۳. راهبرد

مفهوم راهبرد را فرایندی برشمرده‌اند که به کمک آن سازمان‌ها می‌توانند محیط‌های داخلی و خارجی خود را رصد نموده و شناختی نسبت به آن داشته باشند. به طوری که مسیر اقدامات خود را شناخته و در نهایت راهبرد لازم را به‌کارگیری نمایند (اسماعیلی و بالایی، ۱۳۹۲: ص ۴۶). در تعریفی دیگر، راهبردها مجموعه‌ای از برنامه‌های انتخابی یک سازمان بوده که با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و امکانات عالم واقع به قصد نائل شدن به اهداف، ترسیم شده است (اسماعیلی و بالایی، ۱۳۹۲: ص ۴۷). حال می‌توان گفت که راهبردهای پدافندی، نمایش نظری از مجموعه برنامه‌های انتخابی مبتنی بر عوامل مؤثر درونی و بیرونی در یک سازمان بوده که بر پایه دفاع واقع است.

۳. چارچوب نظری

توجه به ابعاد هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه از دیدگاه متفکر، از روش‌های مناسب برای بررسی کامل مفهوم در نظام فکری اندیشمند است. این الگو، که بر پاسخ سه پرسش چیستی، چرایی و چگونگی مبتنی است، می‌کوشد با تبیین و ارزیابی بسترهای فکری هستی‌شناسانه‌ای که مفهوم در آن نضج یافته است، مبانی تولید معرفت، شناخت و علل دستیابی به آن را بررسی کند و سپس چگونگی پیاده‌سازی این معرفت در عالم واقع و در عرصه عمل را از منظر اندیشمند، و در قالب روش‌شناسی ارزیابی نماید.

این چارچوب، فهم جامعی از مفهوم موردنظر در ساختار نظام فکری- سیاسی متفکر را به دست می‌دهد و با پاسخ به ریشه‌ها و علل شکل‌گیری برداشت‌های اندیشمند از آن مفهوم، میان نوع شناخت و معرفت حاصل از این درک، با نوع روش‌های به‌کار گرفته در راستای آن، ارتباط برقرار می‌کند و بر این اساس، ساختاری اندام‌وار و به هم مرتبط از نظام فکری- سیاسی اندیشمند درباره مفهوم خاص شکل می‌دهد و به مخاطب عرضه می‌کند.

الف) نخستین عرصه، هستی‌شناسی است. در تعریفی این مفهوم عبارت است از نظریه‌ای عام درباره اینکه چه نوع، چیزها یا جوهره‌هایی در جهان وجود دارند و اشاره به گستره‌ای از هستی‌ها و روابطی است که درون حوزه‌ای خاص از معرفت و تخصص علمی پذیرفته می‌شود (بتون و کرایب، ۱۳۸۴: ص ۲۱-۲۳). از سویی دیگر، هستی‌شناسی در پژوهش، در واقع، بازتاب نگرش متفکر درباره سرشت جهان است (مارش و فورلانگ، ۱۳۸۷: ص ۳۲-۶۴). در تعریفی دیگر، هستی‌شناسی به نگرش اندیشمند درباره هر آنچه جهان اجتماعی را می‌سازد، گفته می‌شود (Barbour, 2007: p.20). از نگاه اندیشمندان مسلمان نیز در واقع هستی‌شناسی سخن از حقیقت هستی و انواع و جلوه‌های آن و روابط کلی موجودات با یکدیگر است (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۲۶۱). در مجموع می‌توان گفت، هستی‌شناسی جوهره و ماهیت جهان پیرامون و نوع نگاه به آن است که در نظام فکری- سیاسی اندیشمند، شکل می‌گیرد و اندیشه‌های او در زمینه‌های مختلف بر آن مبتنی است. در تفکر اسلامی، هستی‌شناسی به جهان‌بینی تعبیر می‌شود و ناظر به نوع دیدگاه انسان و برداشت او از جهان پیرامون است.

ب) معرفت‌شناسی دومین عرصه‌ای است که در این چارچوب نظری بررسی می‌شود. در حقیقت، این مفهوم نظریه معرفت و ادراک علم بوده و عبارت است از اینکه چگونه و چه چیزی را می‌توان شناخت (Walliman, 2006: p.14). در تعریفی دیگر، از آن به مطالعه ماهیت معرفت و توجیه یاد شده است (Schwandt, 2001: p.158). معرفت‌شناسی روشن می‌کند که در هر نظام فکری- سیاسی چه چیزی پذیرفتنی است و به اعتباری می‌توان آن را به‌مثابه توجیه معرفت در نظر گرفت. از دیدگاه اندیشمندان اسلامی در واقع معرفت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که در آن درباره شناخت‌های انسان و ارزشیابی انواع و تعیین ملاک صحF و خطای آنها بحث می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۵۳). براساس معرفت‌شناسی مشخص می‌شود برای آنکه دانشی موجه به حساب آید، در چه آزمون‌هایی باید موفق شود، و چه طبقه‌بندی از موضوع‌ها را می‌توان شناخت. در مجموع می‌توان معرفت‌شناسی را چگونگی شناخت

هرچه وجودش در عرصه دانش پذیرفته شده است، اطلاق کرد، و در نظام فکری اندیشمند ناظر به منابعی است که شناخت و معرفت از آن حاصل می‌شود و از سویی بتوان از آن معرفت، به شایستگی دفاع کرد. (ج) روش‌شناسی، سومین بخش از این چارچوب نظری، و در پیوند میان عرصه نظر با عمل است. در تعریفی این مفهوم عبارت است از نظریه و تحلیل درباره نحوه اجرا و عمل (Harding, 1987: p.2) و در تعریفی دیگر تحلیل مفروضات، اصول و روش‌های اجرا دانسته شده است (Schwandt, 2001: p.158). از سویی روش‌شناسی به مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند، اطلاق می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۷: ص ۲۴). در واقع می‌توان گفت روش‌ها در عرصه عمل و اجرا در موضوعی خاص، خود را نشان می‌دهند و برخاسته از اندیشه و مبانی فکری درباره آن موضوع هستند. به بیان دیگر، روش‌شناسی میان مبانی فکری و معرفتی متفکر با واقعیت اجتماعی ارتباط برقرار کرده، و اندیشه او را در عرصه واقعیت خارجی بیان می‌کند (پارسانیا، ۱۳۸۳: ص ۱۰).

اهمیت این چارچوب، زمانی روشن می‌شود که دریابیم، هر حوزه معرفتی، هستی‌شناسی خاص خود را برای طبقه‌بندی، توصیف انواع چیزها، روابط یا فرآیندهایی تعریف می‌کند که آن حوزه معرفتی با آنها سروکار دارد و همین انواع روابط است که هستی‌شناسی، در پی شناساندن آنهاست (بنتون و کرایب، ۱۳۸۴: ص ۲۳). در واقع، معرفت‌شناسی روشن می‌کند که در هر نظام فکری-سیاسی چه چیزی، معرفت پذیرفتنی به‌شمار می‌رود. در پایان این فرایند، نتایج فکری باید در ارتباط با واقعیت خارجی سامان یابد که عرصه روش‌شناختی به آن کمک می‌کند و این ارتباط را سامان می‌بخشد.

همچنین این چارچوب نظری برای پژوهش حاضر مناسب به نظر می‌رسد، زیرا مفهوم جنگ نرم در منظومه فکری-سیاسی رهبر معظم انقلاب دیده شده است، یعنی در منظومه فکری-سیاسی، که در حقیقت نظامی اندیشه‌ای، متشکل از اجزاء به هم مرتبط در جهت هدف معین است، این چارچوب نظری کمک می‌کند با روشن شدن اجزاء مختلف، این نظام فکری-سیاسی، ارتباط آنها با یکدیگر مفصل‌بندی شده و هدفمندی آنها در ارتباط با واقعیت خارجی روشن شود.

۴. روش‌شناسی

در پژوهش حاضر روش تحلیل مضمونی برای تجزیه و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری و استخراج

شاخص‌های پدافندی آتش به اختیار در مدیریت سیاسی جهت مقابله با جنگ نرم مورد استفاده قرار گرفته است. مفهوم واژه مضمون در زبان فارسی نزدیک به معنای واژه Theme در زبان انگلیسی است. مضمون در زبان فارسی به معنای موضوع کلام، در میان گرفته شده، معنی و مقصودی که از یک گفتار یا نوشتار فهمیده می‌شود، تعریف شده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۳: ص ۴۱۹۲). Theme در زبان انگلیسی به معنای مبحث، ماده، مایه، موضوع اساسی، زمینه، مضمون اصلی یا درون‌مایه‌ای که در آثار ادبی به ویژه در داستان مطرح می‌شود، تعریف شده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۱: ص ۱۱۳۷).

در اصطلاح نیز، تعاریف متعددی از مضمون ارائه شده که در واقع بازگشت همه آنها به این نکته است که مضمون نشان‌دهنده ویژگی‌ای متمایز و تکرار شونده در متن می‌باشد که از آن می‌توان با عنوان الگوی یاد کرد. در یکی از آن تعاریف، مضمون، تبیین‌کننده اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق معرفی می‌شود که تا حدی نشان‌دهنده معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها است (Braun & Clarke, 2006). در تعریفی دیگر، مضمون، الگویی در داده‌ها که حداقل توصیف‌کننده و سازمان‌دهنده مشاهدات و حداکثر تفسیرکننده جنبه‌هایی از پدیده می‌باشد، آمده است (Boyatzis, 1998: p.4)، در یکی دیگر از تعاریف، مضمون به ویژگی تکراری و متمایزی در متن تعریف می‌شود که به نظر پژوهشگر نشانه درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (King & Horrocks, 2010: p.150). بنابراین، در مجموع می‌توان گفت که مضمون به مثابه الگویی است که نکته‌ای جالب و متمایز را درباره موضوع تحقیق بیان می‌کند و با استفاده از شعور متعارف شناخته می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۳۹).

با توجه به این تعاریف، تحلیل مضمون به مثابه یک روش، به روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی تعریف می‌شود (نوری گلجائی، ۱۳۹۹: ص ۶۷). به عبارت دیگر، تحلیل مضمون، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006).

در پژوهش حاضر چون بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با جنگ نرم و آتش به اختیار پراکنده می‌باشد، بر همین اساس برای انسجام و تفصیل آن از روش تحلیل مضمون استفاده شد، به طوری که ابتدا بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با جنگ نرم و موضوع آتش به اختیار، مورد بررسی قرار گرفته و سپس براساس نوع تحلیل مضمونی، مضامین مختلف دسته‌بندی می‌گردد.

۵. جایگاه مضامین در شبکه مضامین

در این بخش جایگاه مضامین در شبکه مضامین، از بیانات مقام معظم رهبری استخراج شده است. ابتدا مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با مدیریت سیاسی بررسی شده، پس از دسته‌بندی آنها، هر دسته با استفاده از روش تحلیل مضمون بررسی و کدگذاری می‌شود. در ابتدا مضامین پایه‌ای و سپس مضامین سازمان‌دهنده هر دسته استخراج می‌شود و در نهایت نیز مضامین سازمان‌دهنده هر دسته با دسته‌های دیگر مقایسه و مضامین مشابه در یکدیگر ادغام می‌گردد. در آخر نیز بدین طریق، مضامین فراگیر استخراج می‌شود. در جدول شماره ۱، دسته‌بندی بیانات مقام معظم رهبری و سپس تحلیل مضمون شبکه‌ای آمده است.

جدول ۱- انواع مضامین

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده		مضامین پایه
شاخص‌های سیاسی رهبری (راهبردهای پدافندی سیاسی رهبری)	راهبردهای پیشی پدافندی سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به همه ابعاد دشمنی دشمن - صیانت از اهداف نظام - دغدغه اصلاح امور کشور 	<ul style="list-style-type: none"> - لزوم هوشیار بودن مسئولین - لزوم شناخت ابعاد دشمنی دشمن - لزوم هوشیاری در برابر دشمن - لزوم صیانت از جهت‌گیری به سمت اهداف - حضور در عرصه، لازمه مدیریت شجاعانه - شناخت موافقان و مخالفان یک حکومت - فهم اهمیت استقلال کشور - توجه به شاخص‌های اصلی برای اصلاح امور کشور
	راهبردهای گرایشی پدافندی سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> - مرزبندی با دشمن - توجه به شاخصه‌های دینی - دوری از حزبی‌گری 	<ul style="list-style-type: none"> - استکبارستیزی - مرزبندی شفاف با دشمن - ایمان لازمه نماینده مجلس - دوری از حزب و جناح بازی - داشتن شاخصه‌های حکومت علوی
	راهبردهای کنشی پدافندی سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> - حفظ وحدت - عدم سازشکاری - جهت‌گیری انقلابی در امور - لزوم حفظ قدرت نظام - اصلاح ساختار 	<ul style="list-style-type: none"> - ایستادگی قاطع در مقابل حرکت کفر و نفاق - شجاعت، انقلابی بودن لازمه نماینده مجلس - لزوم حفظ وحدت توسط نخبگان و سیاسیون - مجلس قوی، عامل قوت نظام - اصلاح ساختار از طریق مدیریت شجاعانه - عدم سازش‌کاری با دشمن - جهت‌گیری انقلابی در عمل، بیان، رفتار، تصمیم‌گیری و قوانین - لزوم اقتدار مسئولین

در ایران مسائل سیاسی و فهم درست شرایط و تعیین شکل رابطه با غربی‌ها و سایر ملل از ابتدای انقلاب اسلامی از مهم‌ترین مسائل کشور محسوب می‌شده است. کارکرد موثر مدیران سیاسی برای کارآمدسازی نظام سیاسی در ایجاد مقبولیت، مشروعیت و مشارکت مردم خواهد بود که پیامد اثر تجمعی این عوامل به اقتدار، امنیت و قدرت سیاسی نظام منجر می‌شود و نهایتاً حکمرانی خوب را محقق می‌سازد. رهبر انقلاب هم به شکلی دقیق و موشکافانه در بیانات‌شان به این مسئله پرداخته‌اند و در سه بُعد شاخص‌های بینشی، شاخص‌های گرایشی و شاخص‌های کنشی منحصر به فردی را ارائه کرده‌اند.

۵-۱. راهبردهای بینشی مدیران سیاسی

در زمینه داشتن بینش سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای شاخص‌هایی ارائه کرده‌اند که شامل:

۱. توجه به همه ابعاد دشمنی دشمن،
۲. صیانت از اهداف نظام،
۳. دغدغه اصلاح امور کشور، می‌باشد.

۵-۱-۱. توجه به همه ابعاد دشمنی دشمن

یکی از مهم‌ترین مسائل برای مدیران سیاسی جهت تصمیم‌گیری و چگونگی واکنش در برابر دشمن، شناخت دشمن و ابعاد دشمنی‌اش می‌باشد. همچنین باید نقاط ضعف و قوت او را مورد مطالعه قرار داد و اهداف او را بازشناخت. اگر شناسایی دشمن خوب انجام نگیرد، آثار منفی آن در مراحل تصمیم‌گیری و برخورد، خود را نشان می‌دهد.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز بارها بر شناخت دشمن و ابعاد دشمنی وی تأکید داشته‌اند و خطاب به مسئولین سیاسی می‌گویند: هم دشمن را باید شناخت، هم شیوه‌های دشمنی را. راه و رسم‌ها و سمت و سوهایی را که اینها برای دشمنی در نظر گرفته‌اند، [همه] باید بدانند، مسئولین باید بدانند، مردم هم باید بدانند (مقام معظم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

۵-۱-۲. صیانت از اهداف نظام

امروز دشمن در قالب توطئه‌های مختلفی چون جنگ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به دنبال ضربه زدن به نظام اسلامی است. وظیفه مدیران و مسئولان سیاسی در این برهه حساس علاوه بر شناخت دشمن، حفظ و حراست از اهداف والای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است.

آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه معتقدند: رسیدن به هدف‌های بلند نظام اسلامی، همّتی می‌خواهد به همان بلندی و پای استواری می‌خواهد تا بتواند این مسیر دشوار را تا رسیدن به قلّه‌ها طی کند و این جز با اتصال به منبع قدرت، امکان‌پذیر نیست. هر جا شما در طول تاریخ، حاکمیت عدل، دین، معنویت و اخلاق را مشاهده کرده‌اید، در مرکزیت و قلب آن، یک دل آگاه و در مجموعه آن، دل‌های متوجه و متضرع الی‌الله را حتماً دیده‌اید، صدر اسلام نیز همین طور بوده است. در طول تواریخ گذشته، هر جا چنین پدیده‌ای پیدا شده- که نادر هم بوده- همین طور بوده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۵/۱۵).

۵-۱-۳. دغدغه اصلاح امور کشور

برای ایجاد یک جامعه اسلامی مقتدر و نمونه، علاوه بر مدیریت شایسته و ایثارگرانه، برنامه‌ریزی منسجم و منظم همراه با مجریان سخت‌کوش و متعهد از ضروریات اصلاحات بشمار می‌رود. رهبری در این خصوص معتقدند: جمهوری اسلامی ثابت کرده است که در پی تشجّع‌آفرینی در روابط خود با کشورها نیست، و به روابطی برابر که با سه اصل عزّت، حکمت و مصلحت، در سیاست خارجی منطبق باشد، علاقمند و پایبند است؛ و ثابت کرده است که در این روابط، منافع مادی و معنوی کشور و رعایت مصلحت و عزت ملت عظیم‌الشأن ایران و صیانت از آرامش و سلّم در فضای سیاسی جهان، شاخص و راهنمای اصلی اوست (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱/۱۲).

۵-۲. راهبردهای گرایشی مدیران سیاسی

گرایش‌های افراد به مسائل مختلف بسیار وسیع است و به دلیل حساسیتی که در زمینه مسائل سیاسی وجود دارد، جهت‌گیری درست در مسائل سیاسی و داشتن گرایش‌های صحیح بسیار حائز اهمیت است. با توجه به بررسی بیانات رهبر انقلاب، ایشان در بستر شاخص‌های سیاسی، سه شاخص گرایشی را مدنظر دارند که عبارتند از: مرزبندی با دشمن، توجه به شاخص‌های دینی و دوری از حزبی‌گری.

۵-۲-۱. مرزبندی با دشمن

امروزه وضعیت حاکم بر جامعه جهانی به‌گونه‌ای است که اتخاذ استراتژی انزوا برای کشورها عملاً ناممکن بوده و سیستم ارتباطات جهانی به حدی گسترش یافته که دیگر هیچ کشوری قادر نیست خود را از وقایع و رخدادهای صحنه بین‌الملل کنار بکشد، به ویژه برای کشوری چون جمهوری اسلامی ایران، کشیدن حصارها و موانع در اطراف کشور، نه تنها با الزامات ارزشی و اخلاقی آن سازگار نیست، که منافع

نظام را نیز تأمین نمی‌کند. بنابراین، بدون برنامه و استراتژی نمی‌توان با کشورها رابطه برقرار کرد. به‌ویژه در چند سال اخیر، با توجه به نمود بیشتر تحریم‌ها و فشارهایی که بر ایران وارد شد، لزوم شناخت این مرزبندی‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است، اما در رابطه با اینکه این تحریم‌ها تا چه حد توانسته است دشمنان را به اهداف خود برساند، باید گفت قسمت اعظم آن به مقاومت و سیاستی برمی‌گردد که کشور ایران و مسئولان در برابر تحریم‌ها دارند.

آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص مشخص بودن تکلیف ما نسبت به دشمن معتقدند: مسئله دیگر، مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم [است]. یکی از کارهای بسیار لازم همین است که ما نگذاریم مرزمان با دشمن کم‌رنگ بشود. اگر مرزبندی با دشمن نبود و مرز، برجسته نبود، عبور از این مرز- چه از این طرف به آن طرف، چه از آن طرف به این طرف- ممکن می‌شود، درست مثل مرزهای جغرافیایی. اگر مرز جغرافیایی نباشد و برجسته نباشد، خوب از آن طرف یک نفری بلند می‌شود می‌آید اینجا، نفوذ پیدا می‌کند؛ آدم قاچاقچی، آدم دزد، آدم جاسوس از آن طرف می‌آید این طرف؛ از این طرف هم یک آدم غافل، آدم خواب‌آلوده از مرز عبور می‌کند می‌رود آنجا، گیر می‌افتد. مرز اعتقادی و مرز سیاسی هم عیناً همین جور است؛ وقتی که مرز روشن نبود، دشمن می‌تواند نفوذ کند، می‌تواند خدعه کند، می‌تواند فریبنده عمل بکند، می‌تواند بر فضای مجازی مسلط بشود. اگر مرز با دشمن روشن بود، تسلط او بر فضای مجازی، بر محیط فرهنگی به این آسانی نخواهد بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳).

۵-۲-۲. توجه به شاخص‌های دینی

از اساسی‌ترین ویژگی‌های یک مدیر و کارگزار نظام اسلامی ایمان و توکل به خدا و پایبندی به ارزش‌های مبنایی اسلام است. مدیر مومن، مطیع فرامین الهی است و می‌داند که اگر در جریان کارها شرایط سخت و دشواری برایش پیش آید و یا زمینه کارها بسیار آماده باشد و امور به سهولت در برابرش پدیدار گردد، در هر دو حالت روحیه خود را نباخته و خود را در مسیر اجرای فرامین الهی می‌بیند و با وقار و اطمینان خاطر کار را ادامه می‌دهد. حضرت علی(ع) در این خصوص در نامه‌اش به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک، مالک نفس خویش باش و آن را به دست هوی نفس مسپار، نفس خویش را با ترک خواهش‌ها بگش و به هنگام سرکشی، عنانش را بکش که نفس پیوسته به بدی فرمان می‌دهد، جز آنکه خدای رحم کند و در اجابت نفس در نارواها بخل بورزد و بدان که همانا بخل ورزیدن نسبت به نفس، مراعات انصاف است در آنچه که برای آن خوشایند یا ناخوشایند است (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳).

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه معتقدند: مکتب سیاسی امام خمینی دارای شاخص‌هایی است. من امروز چند خط از خطوط برجسته این مکتب را در این جا بیان می‌کنم. یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست درهم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست، سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را با هم داشت و همین را دنبال می‌کرد؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه رفتارها و همه مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می‌زد. امام به اراده تشریحی پروردگار اعتقاد و به اراده تکوینی او اعتماد داشت و می‌دانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می‌کند، قوانین و سنت‌های آفرینش کمک‌کار اوست (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۱۴).

۳-۲-۵. دوری از حزبی‌گری

یکی از بزرگ‌ترین مزایای مدیران سیاسی در جامعه ایران داشتن حرّیت و آزادی نسبت به احزاب و جناح‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است. در غیر این صورت مدیران فقط به ظاهر مدیر هستند و در باطن بازیچه حزب و جناح‌های سیاسی می‌باشند.

رهبری با اسوه قرار دادن سردار سلیمانی در این زمینه معتقدند: یک نکته مهم این است که در مسائل داخل کشور (شهید قاسم سلیمانی)- چون این حرف‌ها غالباً ناظر به مبارزات منطقه‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای او بود- اهل حزب و جناح و مانند اینها نبود، لکن به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود، این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند، این واقعیت او است؛ ذوب در انقلاب بود، انقلابی‌گری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند اینها نبود، اما در عالم انقلابی‌گری چرا، به شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

۳-۵. راهبردهای کنشی مدیران سیاسی

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رهبری، شاخص‌هایی است که در زمینه کنش سیاسی به فرماندهان و مدیران این بخش می‌دهند و در واقع این شاخص‌ها از پر تکرارترین و حساس‌ترین شاخص‌هایی است که در کلام ایشان دیده می‌شود. این شاخص‌ها عبارتند از: حفظ وحدت، عدم سازش‌کاری، جهت‌گیری انقلابی در امور، لزوم حفظ قدرت نظام و اصلاح ساختار.

۵-۳-۱. حفظ وحدت

قاعداً هر نظام اجتماعی، برای بقا و تداوم حیات اجتماعی خویش، نیازمند آن است که شناخت کاملی از ملت خویش داشته باشد و دشمن خود را نیز به خوبی بشناسد، تا در مواقع لزوم با بسیج همگانی مردم بتواند تهدیدها را مهار کرده و با آنها مقابله نماید. از این رو برقراری وحدت و پیوند عمیق میان قشرهای مردم یکی از ضروریات انکارناپذیر جامعه قلمداد می‌گردد که به طور خاص باید مسئولان به آن توجه نمایند.

در این رابطه رهبری می‌فرماید: وحدت را باید حفظ کرد. من خواهش می‌کنم به مسئله حفظ وحدت، اتحاد و همدلی اهمیت دهند. این یکی از اصول است. البته مخاطب این کار، ملت نیست - ملت متحد است و اختلافی ندارد - مخاطب این کار، نخبگان و سیاسیون از جناح‌های مختلف هستند. به بهانه‌های مختلف و با اختلاف‌های کوچک، در مقابل هم قرار نگیرند و با توجیه‌های غلط، علیه هم جنجال راه نیندازند. ظریفی از دوستان ما می‌گفت این مسئله خودی و غیرخودی را که شما مطرح کردید، همه قبول کردند؛ منتها بعضی‌ها جای خودی و غیرخودی را عوض کردند! کسانی را که برای نظام و انقلاب و اسلام احساس مسئولیت می‌کنند، خودی بدانید. غیرخودی کسانی هستند که با اصل نظام مخالفند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۵/۱۰).

۵-۳-۲. عدم سازش‌کاری

دوگانه تسلیم یا مقاومت دو راه پیش روی کشورها در مواجهه با دولت‌های سلطه‌گر می‌باشد که انتخاب هر یک، آثار و پیامدهایی را به دنبال دارد. لذا، شناخت دقیق آثار و پیامدهای سازش و ایستادگی، نقش به‌سزایی در انتخاب یکی از دو مسیر مذکور دارد. مدیران و مسئولان سیاسی در تصمیم این دوراهی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

خب اینها این [طور] هستند؛ سازش کنید سر سوریه، سازش کنید سر حزب‌الله، سازش کنید سر افغانستان و پاکستان، سازش کنید سر عراق، سازش کنید سر مسائل داخلی؛ با چه کسی؟ با آن کسی که لحظه‌ای از دشمنی فروگذار نمی‌کند. هدف‌شان این است که نگذارند این ملت رشد کند، هدف‌شان این است که نگذارند مشکلات این کشور حل بشود؛ [آن وقت] اینها می‌آیند کمک به حل مشکلات کنند؟ (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۸/۱۲).

۵-۳-۳. جهت‌گیری انقلابی در امور

انقلاب اسلامی از بدو ظهور خود، دارای اصول و معیارهایی بود که در ادامه و استمرار آن، بیش از پیش توسط امام خمینی و پس از ایشان توسط مقام معظم رهبری، تشریح و تبیین شد و مدیر تراز انقلاب اسلامی نیز با توجه به این اصول و چارچوب‌ها قابل تشخیص خواهد بود. از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، مدیری در تراز انقلاب اسلامی است که خدمت‌رسانی به مردم را اصل و سرلوحه کار خود قرار دهد و در راستای تحقق عدالت اجتماعی، رفع تبعیض، کاهش فاصله طبقاتی، رفع مشکلات معیشتی و نجات محرومین بکوشد.

رهبر انقلاب و ویژگی‌های مدیر انقلابی را چنین بیان می‌کنند: یک نکته دیگری که برای برادران و خواهران عزیز نماینده قابل ذکر است، بحث رفتار نمایندگان است. به نظر من آن کلمه کلی و فراگیر و جامعی که می‌شود در این زمینه گفت، کلمه «انقلابی‌گری» است. رفتار نمایندگان مجلس باید رفتار انقلابی باشد؛ برخورد باید برخورد انقلابی باشد. شما در سوگندی هم که یاد کردید، این سوگند را یاد کردید که انقلاب، نتایج انقلاب، فراورده‌های انقلاب و فراورده‌های نظام جمهوری اسلامی را حفظ کنید؛ چطور ممکن است؟ بدون انقلابی بودن که نمی‌شود حفظ کرد. رفتار، باید رفتار انقلابی باشد؛ رفتار انقلابی به معنای رفتار غیرمدبرانه نیست، به معنای رفتار عاقلانه و مدبرانه و مجاهدانه است؛ حرکت جهادی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۳/۳).

۵-۳-۴. لزوم حفظ قدرت نظام

یکی از مهم‌ترین نیازهای هر جامعه، داشتن قدرت و اقتدار در مقابل دشمنان بوده و در هر جامعه‌ای نیاز است مدیران مقتدری باشند که بتوانند قدرت را در آن جامعه زنده و پویا نگاه دارند. رهبری با مثال زدن پادشاهان ضعیف در گذشته ایران که عامل سقوط حکومت‌هایشان بوده‌اند، نقش مدیران را در زمینه حفظ اقتدار نقشی مهم می‌دانند و چنین بیان می‌کنند: اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی‌کنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

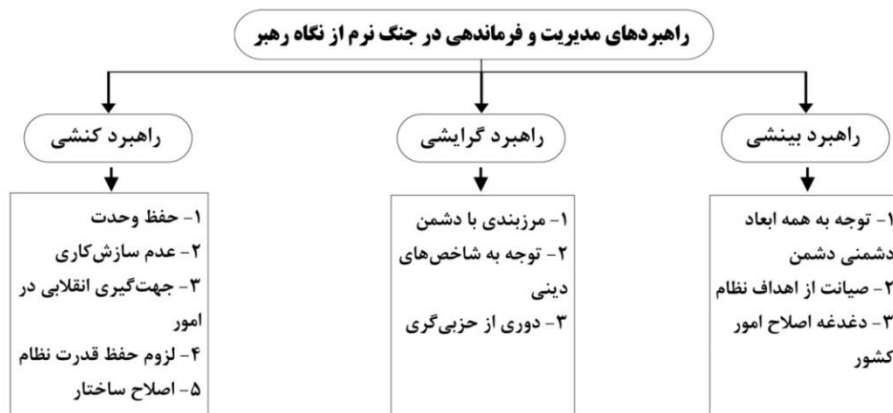
۵-۳-۵. اصلاح ساختار

مدیران سیاسی با داشتن برخی ویژگی‌ها می‌توانند ساختارها را اصلاح و بازسازی نمایند. اگر مدیران

دارای اقتدار، اعتماد به نفس و تدبیر در امور باشند و نگاهی مبنایی به ساختار داشته باشند می‌توانند در اصلاح آن نقش به‌سزایی ایفا کنند.

رهبری معتقدند: به نظر می‌رسد که می‌توانیم در زمینه اصلاح ساختارها در این برهه کار کنیم. یک مقداری احتیاج دارد به مدیریت شجاعانه؛ یک مقدار مسئولین دولتی با شجاعت در این قضیه وارد بشوند؛ ملاحظه غیر وظیفه و غیر قانون و غیر مصلحت کشور را نکنند. من اینجا یادداشت کرده‌ام «مدیریت شجاعانه، امیدوارانه، جهادی، با اشراف میدانی بر مشکلات؛ خیلی از مشکلات را در اتاق اداره و مدیریت و پشت میز نمی‌شود فهمید، باید رفت در صحنه، در عرصه، تا مشکلات را بتوان لمس کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

جدول ۲- راهبردهای مدیریت و فرماندهی در جنگ نرم



۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، راهبردهای پدافندی آتش به اختیار در مدیریت سیاسی جهت مقابله با جنگ نرم در نظام فکری- سیاسی رهبر معظم انقلاب مبتنی بر سه رویکرد هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه بررسی شده است. در منظومه فکری- سیاسی که نظامی منسجم و متشکل از اجزای به هم مرتبط در جهت هدفی معین است، با روشن شدن اجزای مختلف این نظام فکری- سیاسی در عرصه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، ارتباط آنها با یکدیگر، مفصل‌بندی شده است و در حوزه روش‌شناختی، هدفمندی آنها در ارتباط با واقعیت خارجی روشن می‌شود.

براساس این الگو، مدیریت سیاسی جهت مقابله با جنگ نرم در نظام فکری- سیاسی رهبر معظم انقلاب بر نظام توحیدی، یعنی محوری‌ترین مبنای تعالیم اسلام استوار است. این نظام فقط مفهومی اعتقادی و کلامی نیست، بلکه اندیشه‌ای است که رفتار و کردار فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و آثارش در جامعه تبلور می‌یابد. از آثار این نظام، برابری انسان‌ها و نفی سلطه‌گری است، زیرا همه انسان‌ها در مقام عبودیت در پیشگاه خداوند قرار دارند و از رتبه‌ای یکسان و برابر برخوردارند. با توجه به این ویژگی‌های نظام توحیدی، در هنگام وجود سلطه‌طلبی و ظلم، اصل بر دفع ظالم و مستکبر و مقابله با آن قرار داده شده است، زیرا اگر از سلطه مستکبران جلوگیری نشود و انسان‌های الهی با آنان مقابله نکنند، مستکبران همه ارزش‌های اخلاقی و انسانی را زیر پا می‌گذارند و فساد و تباهی، زمین را فرامی‌گیرد.

در مقابل نظام توحید، نظامی مبتنی بر شرک و الحاد قرار دارد که اصالت را به اموری غیرذات خداوندی می‌دهد. این دو نظام توحید و شرک، در حقیقت دو جبهه حق و باطل را تشکیل می‌دهند، دو جبهه‌ای که نظام خلقت بر پایه آن استوار شده است و انسان‌ها هر کدام در یکی از این دو جبهه صف‌بندی می‌شوند. بر این مبنای انسان‌های مؤمن، که در رأس آنها انبیاء و اولیای الهی قرار دارند، در جبهه حق و انسان‌های مشرک و مستکبر که در رأس آنها ابلیس و شیاطین هستند، در جبهه باطل قرار می‌گیرند و بر این اساس، مبارزه، ضرورت تخلف‌ناپذیر این دو جبهه است، ضرورتی که مفهوم دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی از بازتاب‌های آن است.

همچنین شاخص اصلی معرفت‌شناختی مفهوم مدیریت سیاسی جهت مقابله با جنگ نرم در منظومه فکری- سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی، معرفت دینی است. براساس این نوع معرفت، مشیت الهی بر مبارزه و مقابله با مستکبران و زورگویان عالم به منظور جلوگیری از گسترش فساد بر روی زمین قرار گرفته است، حقیقتی که در وضعیت کنونی عرصه جهانی، کاملاً مشهود است، چنان‌که امروزه مستکبران جهانی به واسطه ذات سیری‌ناپذیر خویش در پی منافعش و گسترش سلطه‌شان بر جای‌جای کره زمین بوده و از هیچ اقدام غیرانسانی فروگذار نمی‌کنند.

با توجه به این مبانی فکری، راهبرد روشی آتش به اختیاری مقام معظم رهبری، به موضوع مدیریت سیاسی جهت مقابله با جنگ نرم در مرحله نخست، شناخت درست دشمن و برنامه‌های اوست؛ چنانچه در این عرصه، شناخت دقیقی از دشمن صورت نگیرد، به تبع اقدامات لازم و متناسب تدافعی و تهاجمی نیز صورت نخواهد گرفت. گام بعدی در مسیر مبارزه با استکبار، آمادگی است، زیرا در میدان مبارزه زمانی

پیروزی حاصل خواهد شد که نیروها، آمادگی کافی برای مقابله با دشمن و برنامه‌های آن را داشته باشند. در نهایت لازمهٔ ایمان، حضور انسان مؤمن در صحنهٔ مبارزه است، ضرورتی که چنانچه محقق شود، به تعبیر رهبر انقلاب، مستکبران قادر به شکست این ملت و انقلاب نخواهند بود.

منابع

- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: امیرالمومنین، ۱۳۹۱.
- اسماعیلی، محسن؛ بالایی، حمید (۱۳۹۲). الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قوانین برنامه توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲(۵).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر ماهیت و ابعاد تهدید نرم. نگاه، ۲(۵).
- بنتون، تد؛ کرایب، یان (۱۳۸۴). فلسفه علوم اجتماعی. ترجمه شهناز مسمی‌پرست و محمود متحد. تهران: آگه.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۳). روش‌شناسی و اندیشه سیاسی. علوم سیاسی، ۲۸: ص ۷-۱۶.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۱/۱۲). پیام به کنگره عظیم حج. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۲۸۸۰>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۸/۱۲). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۸۱۵>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۵/۱۵). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترس در:
<https://khazaen.ir/@khamenei/%D%۸AD%D%۸۲%۹D%۸۸%۹D%۸۲%۹-%D%۸A%۸D%۸B%۴D%۸B۱۵-۰۵-۱۳۸۲-۱-۴۸۸۳۶>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). بیانات در دیدار مردم قم. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۴۶۲۸>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۵۳۶۷>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۳/۲). دیدار مسئولان نظام با رهبر انقلاب. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۳۹۶۵۰>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۵/۱۲). بیانات در مراسم تنفیذ. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=۷۶۸۸>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۲/۲۳). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=۴۱۹۸۷>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۲/۲۴). بیانات در دیدار مسئولان نظام. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۲۵۱۲>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۹/۲۴). *بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۹۹۲>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۷/۲۸). *بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۷۰۳>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۹/۴). *بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۴۳۰>

رستمی، محمود (۱۳۸۶). *فرهنگ واژه‌های نظامی*. تهران: ایران سبز.
 ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: نشر اطلاعات، چاپ هفتم.
 عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی*. *اندریشه مدیریت راهبردی*، ۵(۱۰).
 کالینز، جان (۱۳۸۳). *استراتژی بزرگ*. ترجمه کورش بایندر. تهران: وزارت امور خارجه.
 مارش، دیوید؛ فورلانگ، پاول (۱۳۸۷). *پوست نه پوستین: هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در علوم سیاسی*. ترجمه سید علی میرموسوی. *علوم سیاسی*، ۱۱(۴۲): ص ۳۱-۶۴.
 ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹). *رسانه‌سازی اتاق‌های فکر آمریکایی، نمایی دیگر از جنگ نرم*. *وسایل ارتباط جمعی - رسانه*، ۲۰(۷۹).

محمدنژاد، علی؛ نوروزی، محمدتقی (۱۳۷۸). *فرهنگ استراتژی*. تهران: سنا.
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). *آموزش فلسفه*. قم: نشر بین‌الملل، ج ۱.
 معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۱، ۳.
 نای، جوزف (۱۳۹۷). *رهبری و قدرت هوشمند*. ترجمه الهام شوشتری‌زاده و محمودرضا گلشن‌پژوه. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
 نوری گلجانی، عبدالله (۱۳۹۹). *دلالت‌های سیاسی سوره حضرت محمد(ص) مبتنی بر تفسیر ساختاری و کاربردی ابزار تحلیل مضمون*. *سیاست‌معالیه*، ۸(۳۱).
 هرسیح، حسین؛ تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹). *تاثیر مؤلفه‌های هویت ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*. *تحقیقات فرهنگی*، ۱.

Barbuor, R.S. (2007). *Introducing to Qualitive Research: A Students Guide to Craft of Doing*. London: Sage Publication.

Boyatzis, R.E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*. Sage.

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2): P. 77-101.

-
- Goldstein, J. & Keohane, R. (1993). **Ideas and Foreign Policy**. New York: Cornell University Press.
- Harding, S. (1987). **Introduction: Is There a Femenist Method?**. In: Femenism and Methodology: Social Issues. Bloomington: Indiana University Press.
- King, N. & Horrocks, C. (2010). **Interviews in qualitative research**. London: Sage.
- Schwandt, T. (2001). **A Dictionary of Qualitive Inquiry**. London: Sage.
- Walliman, N.S.R. (2006). **Social Research Methods**. London: Sage.